

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال پنجم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

معرفی نسخه خطی الانوار فی کشف الاسرار روزبهان بقلی^۱

دکتر غلامرضا خوش اقبال^۲

دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

دکتر قاسم کاکایی^۳

استاد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز

چکیده

تصحیح و معرفی نسخه‌های خطی خاص و نفیس که از روزگاران دور بر جای مانده، راهی برای جان‌بخشی اثری ادبی و یا عرفانی و یا شاید زنده کردن خود مؤلف در زمان امروزی است. روزبهان بقلی یکی از تأثیرگذارترین عرفایی است که اندیشه‌های عرفانی او جریان جدید و منحصر به فردی از مبانی عرفان و تصوف را پایه‌ریزی کرده است که مگر با درک و بازنگری آثار این عارف بزرگ میسر نیست. بیشتر آثار منصوب به روزبهان بقلی موجود نیست و از آن‌هایی که باقی است، تعداد اندکی تصحیح و چاپ شده‌اند. یکی از برگزیده‌ترین و مهجورترین آثار او رساله‌الانوار فی کشف الاسرار است که برخی از تکلمه‌نویسان آن را به شیخ منصوب نمی‌دانند و برخی آن را با رساله‌ دیگری از شیخ یکی دانسته‌اند. تنها نسخه موجود از این رساله از روزبهان در کتابخانه ملی تاشکند به شماره ۲۱۸۸ و کد ۳: ۱۷۶ وجود داشته و عکس آن در مرکز نسخ خطی دانشگاه تهران به شماره

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۵

۱ تاریخ وصول: ۹۸/۷/۱۹

۲ paakdelaan@gmail.com

۳ ghkakaie@yahoo.com

نسخه ش ۲/۲۵۷۸ نگهداری می‌شود. این اثر نفیس عرفانی همچنان تا به امروز دست‌نخورده باقی مانده و کسی به تصحیح و ترجمه آن نپرداخته است. با توجه به متن خاص این اثر و ارزش عرفانی آن، تصحیح، ترجمه و احیای آن همچنان که برگی زرین از گنجینه ارزشمند نسخه‌های خطی را نمایان می‌کند، می‌تواند برای روشن‌تر شدن مکتب فکری شیخ روزبهان حائز اهمیت بوده و ترجمه و تصحیح پیراسته و شایسته‌ای را به حوزه عرفان امروز اضافه کند.

واژه‌های کلیدی

روزبهان بقلی، الانوار فی کشف الاسرار، نسخه خطی.

۱. مقدمه

روزبهان بقلی از آن دسته عرفایی است که اندیشه‌ای خاص دارد. هرچند بزرگان پژوهش و ادبیات بر اساس همین باور تحقیقات ارزنده‌ای در باب درک و دریافت برخی رساله‌های شیخ داشته‌اند، شناسایی و آشنایی بیشتر با دیگر آثار او شخصیت و جایگاه عرفانی او را بیشتر از پیش نمایان خواهد کرد. تا به امروز مجموعه‌هایی ارزشمند درباره شخصیت و مسیر عرفانی روزبهان بقلی و آثار او به چاپ رسیده اما دیریابی برخی از رساله‌های این عارف بزرگ و همچنین اختلاف نظرهایی که در مورد آثار او وجود داشته، آن‌ها را در غبار خاکستری تاریخ پنهان کرده است. تصحیح و ترجمه متون کهن و عرفانی مفاخر ادبی عرفانی می‌تواند آثار فکری و عرفانی متفکران را نمایان کند. این مقال فرصتی مغتنم است تا با شناسایی و بررسی یکی دیگر از آثار منحصربه‌فرد روزبهان بقلی به اندیشه عرفانی او نزدیک‌تر شده و از مکتب حکمی و معرفتی روزبهان با پرداختن به رساله *الانوار فی کشف الاسرار* بیشتر از پیش بهره‌مند شویم. روزبهان بقلی آثار ارزشمندی را در زمان حیات خود

به یادگار گذاشته است؛ از *عبر العاشقین* گرفته تا *رسالة القدس*، کشف الاسرار و... که هر کدام برگرفته از وجوه خاصی از اندیشه و شخصیت ویژه اوست. روزبهان بیشتر آثارش را به زبان عربی نوشته است که شاید یکی از وجوه عدم پرداختن به آن‌ها به شمار می‌آید. ترجمه و بازشناسی این آثار عرفانی که بدان پرداخته نشده، از یک سو نسخه‌ای دیگر از باب پرداختن به نسخه‌شناسی و میراث مکتوب ایران تصحیح و ترجمه شده است و دیگر اینکه می‌تواند ساده‌ترین و روشن‌ترین راه برای شناخت بیشتر شخصیت، اندیشه و مکتب عرفانی روزبهان بقلی باشد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

از میان آثار روزبهان بقلی، *رسالة الانوار فی کشف الاسرار* یکی از متفاوت‌ترین و قابل تأمل‌ترین آثار اوست. این اثر از جمله آثاری است که به شیخ منتسب است که جزء فاخرترین آثار ادبیات عرفانی به شمار می‌آید. از این اثر فقط یک نسخه وجود دارد. این‌گونه به نظر می‌آید بیشتر پژوهشگران فقط نام این رساله را شنیده باشند و امکان شناخت نسخه و بررسی محتوای اثر را نداشته‌اند. با توجه به شرح‌هایی که از زندگانی شیخ روزبهان نوشته شده است، می‌توان گفت فقط محمدمتقی دانش‌پژوه این نسخه را از نزدیک دیده و به بررسی عناصر محتوای رساله پرداخته و به آن‌ها اشاره‌ای کوتاه داشته است. در تلاش‌هایی که برای نسخه‌های شیخ روزبهان انجام شد، امکان به دست آمدن تصویر تنها نسخه موجود که در کتابخانه تاشکند (به شماره ۲۱۸۸ و کد ۱۷۶: ۳، از نسخه ش ۲/۲۵۷۸) وجود داشت سخت بود. تا اینکه تصویری از آن در مرکز نسخ خطی کتابخانه دانشگاه تهران یافت شد و در جریان بررسی قرار گرفت. با در نظر داشتن اینکه برخی از پژوهشگران گمان برده بودند که این نسخه عیناً همان نسخه کشف الاسرار شیخ است (نک: مقدمه *عبر العاشقین*) و یا همان نسخه کشف الاسرار است که دوباره به‌گونه‌ای دیگر نوشته شده، کار بررسی و ترجمه دنبال شد. برگ اول نسخه، مفقود شده بود اما متن با این گزارش به متن اصلی می‌رسید که

«و اقرب نوره عیون المتفرسین و شرح بصفاء الیقین صدور المؤمنین و اوضح...» در نگاه اول به متن نسخه به فاخر بودن اثر پی می‌بریم. در ادامه به عیان مشخص می‌شود که شیخ در این اثر به کشف و شهود پرداخته و مطالبی را بسیار عالمانه بیان کرده است و شاید بتوان گفت نسبت به آثار دیگر روزبهان به عقلانیت در عرفان نظری توجه بیشتری داشته است. این نسخه در مکاشفات اولیا و مقامات اهل معرفت تهیه شده و دارای چهار رکن است و هر رکن به چند فصل تقسیم‌بندی می‌شود. در این مقاله، نگارنده ضمن بررسی دقیق و نسخه‌شناسی آثار شیخ به معرفی نسخه‌الانوار فی کشف الاسرار و بیان ساختار موجود در متن رساله پرداخته است و با ترجمه فصول چندگانه، مقدمه‌ای از هر کدام برای روشن شدن ضمنی مطالب نسخه، در این فراز بیان داشته است.

۲. روزبهان بقلی

روزبهان بقلی شیرازی در فسا قصبه‌ای از قصبات شیراز به سال ۵۲۲ق به دنیا آمد. دوره تاریخی زندگی روزبهان دوران خاصی بوده است. سلسله عباسیان رو به سقوط گذاشته بود و ترکان سلجوقی به اسلام روی آوردند و پس از چندی در تمام ایران حکمرانی کردند. در زمان زندگی روزبهان خاندان سلغریان جزء دودمان نیمه‌مستقل اتابکان که جانشینان اعتباری سلاطین سلجوقی بودند، قدرت خود را کسب کردند (ارنست، ۱۳۸۳: ۵۸).

خود می‌گوید: «اتفاق ولادت من در میان قومی بود که در غایت ضلالت و جهالت بودند و شغل ایشان همه تباهی و مناهی بود» (بقلی، ۱۳۸۳: ۸). در این دوران پر آشوب و غبارآلود فارس، روزبهان بقلی به واسطه مکاشفات و جذبه‌هایش در سنین سه‌سالگی، هفت‌سالگی و پانزده‌سالگی آنچنان متحول‌گونه می‌زید که در جوانی به تصوف روی می‌آورد. «من در میان جاهلانی از اهل باده و گمراهی زاده و به پرورش بازاریان و عوامی که "کانهم خمر مستغفره فوت من قسوره" بالیده شدم؛ تا آنکه به سه‌سالگی در دلم افتاد که "خدای تو و خدای

مردمان کجاست؟" چون به سن بلوغ رسیدم حب طاعت و خلوت بر من غالب شد، مدتی مدید بدین طریق می گذرانیدم. قرآن یاد گرفتم و به تحصیل علوم مشغول شدم» (بقلی، ۱۳۴۷: ۱۸). مؤلف *تحفة العرفان* از یکی از مصنفات روزبهان نقل می کند: «چون به سن بلوغ رسیدم، حُب طاعت و خلوت بر من غالب شد، قرآن یاد گرفتم و به تحصیل علوم مشغول شدم» (بقلی، ۱۳۸۳: ۸). «چون پانزده ساله شدم گویی مرا از غیب خطاب کردند و گفتند: همانا تو پیامبری» (بقلی، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

«دیگر بار در روزگار جوانی ام در صحرای غریب بر فراز آسمان های هفت گانه دریای بزرگ بر من شکافته شد و... کاخی بزرگ که بلندایش را پایانی نبود و از فرود کاخ تا نهایت دید من به بالا پنجره هایی بود که به شمار در نمی آمد و خدای تعالی از همه این پنجره ها بر من تجلی کرد ... گفتم این کاخ چیست؟ گفت کاخ قدس» (بقلی، ۱۳۹۳: ۱۷۰). پس از آن شوق و اشتیاق، مدت یک سال و نیم (به روایتی شش و نیم سال) در بیابان سرگردان شد؛ سرانجام در سن ۲۵ سالگی نخستین مرشد خود، شیخ جمال الدین خلیلی فسایی را برگزید (همان: ۹).

«چون به سن بیست و پنج سال رسیدم وحشتی عظیم از خلق مرا ظاهر شد. گاه گاهی نسایم قدس بر جانم می وزید و نمی دانستم چیست؟ ... تا شبی در صحرائی بودم آوازی شنیدم به غایت خوش... از پی این می رفتم تا به سر تلی رسیدم، شخصی را دیدم نیکو روی بر هیئت صوفیان، ... ندانستم که بود ... سکر بر من غالب شد. روز دیگر هرچه داشتم برانداختم. بدین طریق مدتی می بودم تا روزی به خدمت سید الابدال خضر علیه السلام رسیدم» (روزبهان ثانی، ۱۳۴۹: ۱۸).

بعد از این، زمان شیخ از فسا به شیراز رفت و در رباط ابومحمد الجوزک اقامت گزید و به ریاضت های شاقه مشغول شد. از نوشته های نوه اش در *تحفة اهل العرفان* برمی آید که شیخ مدت هفت سال در کوه بموی شیراز مشغول ذکر و عبادت بوده است (ارنست، ۱۳۸۳: ۴۴). و از معتبران منقول است که «از انواع ریاضات که شیخ قدس الله روحه کشیده، یکی آن بود

که هفت سال در کوه بموی که صبوی شهر شیراز است به یک خرقة به سر برده، چنان‌که غسل و وضو در زمستان و تابستان در آن کرده بود، و آن خرقة از گردن بیرون نیاورده، و کس ندید که او تناولی فرمود» (روزبهان ثانی، ۱۳۴۹: ۱۸). او سفرهایی هم داشته است. مؤلف شد *الازار* گوید که روزبهان در ابتدای حال به عراق و کرمان و حجاز و شام سفر کرده است (بقلی، ۱۳۸۳: ۹).

«پس از آن به خدمت شیخ جاگیر گردی که در نزدیکی سامرا می‌زیست راه یافت، چندی نیز در خدمت شیخ سراج‌الدین محمد بن خلیفه بن عبدالسلام بن احمد بن سالبه و شیخ ابوبکر بن عمر بن محمد، معروف به بوکر به سر برد و از دست آنان خلعت و کسوت و ارشاد یافت. روزبهان به خدمت فقیه ارشدالدین ابوالحسن علی بن محمد بن علی نیریزی و امام فخرالدین مریم و صدرالدین ابوظاهر احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم سلفه اصفهانی رسید و به دریای حقیقت افتاد» (ارنست، ۱۳۸۳: ۱۶). شیخ پنجاه سال در جامع عتیق به ارشاد مردم پرداخت و در نیمه محرم سال ۶۰۶ق، در هشتادسالگی درگذشت و در همان رباط خویش در شیراز به خاک سپرده شد (همان: ۱۷). آثار روزبهان که همه برگرفته از اندیشه‌های ناب اوست فراوان است. در *تحفة العرفان* آمده: «اما مصنفات شیخ استماع افتاد که شصت پاره کتاب از مصنفات اوست به واسطه فترتی که واقع شد. بعد از وفات شیخ آن کتاب‌ها متفرق شد» (بقلی: ۱۳۸۳: ۶۳).

روزبهان بقلی آثار متعددی در تفسیر قرآن، حدیث، فقه، تصوف و عرفان تألیف کرده است که از آن‌ها می‌توان به *لطایف البیان و عرایس البیان فی الحقایق القرآن* (در تفسیر قرآن)، *عبر العاشقین، منطق الاسرار و بیان الانوار، مشرب الارواح*، شرح *شطحیات* (در عرفان)، *حقایق الاخبار و مکنون الحدیث* (در حدیث)، *الموشح فی المذاهب الاربعه* (در فقه) و... اشاره کرد. تا به امروز، پژوهشگران متعددی درباره زندگی علمی و آثار روزبهان به تحقیق پرداخته‌اند. از میان آن‌ها می‌توان تذکره‌هایی را یافت که درباره تعداد آثار روزبهان

بقلی و یا صحت و اصالت آثار منسوب به او تناقض و اختلاف نظرهایی وجود دارد، که در این زمان امکان پرداختن به اختلافها وجود ندارد.

یکی دیگر از نکته‌هایی که مورد اهمیت است و همانند مطلب قبل باید بدان پرداخته شود، بحث پیران و مرشدان روزبهران بقلی است که با توجه به دو اثر باقی‌مانده از نبیره‌اش، *تحفة العرفان* و *روح الجنان*، همچنین بررسی کتاب *کشف الاسرار* ایشان، که زندگی خودنوشت روزبهران بقلی است، باقی‌مانده و تردیدهایی را به ذهن متواتر می‌کند که جای تأمل دارد. به نظر می‌آید تذکره‌هایی که درباره روزبهران نوشته شده در برخی اظهارات و بیان برخی مطالب ابهام داشته که تا به امروز چندان بدان پرداخته نشده است.

روایت‌هایی از این دست از روزبهران بیان شده است که بیشتر تذکره‌نویسان با تکیه بر نوشتار دو نبیره او بیان داشته‌اند. کار تا جایی پیش می‌رود که هرکدام از این دو نبیره، منظری خاص از مکتب عرفانی روزبهران را بررسی و بدان پرداخته‌اند. گاه در نوشته‌های آن دو در دو کتاب *تحفة العرفان* و *روح الجنان* یافته‌هایی وجود دارد که نشان از ناآگاهی‌هایی است که آن دو در خصوص برخی اتفاقات زندگی روزبهران بقلی داشته‌اند. از اختلاف نسخه‌ها و آثار شیخ گرفته تا روایت‌هایی که گاه فقط در یک کتاب از این دو قرار دارد، تا روایت‌هایی که از احوال شیخ بیان شده است و حتی اشاره‌ای هم در تألیفات روزبهران بقلی از این روایت به چشم نمی‌آید. شایان ذکر است با توجه به نزدیکی آن‌ها به یکدیگر (از نظر نسبت) اختلاف‌ها کم نیستند، که به یقین در این زمان جای توضیح همه آن‌ها میسر نیست و فقط به معرفی نسخه *الانوار فی کشف الاسرار* شیخ می‌پردازیم.

۳. روزبهران بقلی، آثار و تألیفات

روزبهران بقلی از جمله نامدارانی است که در حوزه عرفان و تصوف و شرح معارف صوفیه کمتر بدان پرداخته شده است. شاید به دلیل دیریابی اندیشه‌های او و یا به‌مرور زمان، این شرایط به وجود آمده است. روزبهران مراتبی را به صورت رساله‌هایی تألیف کرده که همگی

خاص خود اوست. این آثار که بیشتر آن‌ها به زبان عربی تألیف شده و در بیشتر کتاب‌هایی که درباره زندگی این عارف بزرگ نوشته شده است ذکر شده‌اند، اما پراکندگی و مغایرت‌هایی در آن‌ها به چشم می‌آید.

از جمله قدیم‌ترین شرح حال‌هایی که درباره شیخ روزبهان نقلی نوشته شده، کتاب *روزبهان* یا *سطح فارس* است که مرحوم غلامحسین ندیمی در سال ۱۳۴۵ آن را چاپ کرده است. او از قول مؤلف *شد الا زار می نویسد*: «شیخ روزبهان در هریک از رشته‌های حدیث و فقه و تفسیر و تصوف تصنیفاتی دارد و بعضی از تذکره‌ها مصنفات او را تا شصت پاره می‌دانند که تعدادی از آن‌ها از بین رفته و بیش از سی پاره به جا نمانده است» (ندیمی، ۱۳۴۵: ۶۵).

کتاب دیگری به نام *روزبهان‌نامه* (مجموعه‌ای که شامل چند اثر از روزبهان است) به کوشش آقای محمدتقی دانش‌پژوه از سوی انتشارات انجمن ملی در سال ۱۳۴۷ به چاپ رسیده است. در مقدمه *روزبهان‌نامه* آمده است خود شیخ در کتاب *بیان الماقامات* می‌نویسد که آثار وی بیش از یکصد است ولی شرف‌الدین ابراهیم می‌گوید که به شصت پاره می‌رسد اما بر اثر فترتی که روی داده پراکنده شده و آنچه به دست او رسیده روی هم ۲۱ کتاب می‌شود. عبدالطیف شمس در این باره می‌نویسد که او شصت و چند کتاب در علوم ظاهر و باطن تصنیف فرمود و باز می‌گوید که من از بیست کتاب او بندهایی برگزیدم و در اینجا آورده‌ام و روی هم از چهل کتاب او نام می‌برم (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۶).

کتاب دیگر که شرح احوال و آثار شیخ روزبهان نقلی فسایی شیرازی است، به نگارش محمدتقی میر در سال ۱۳۵۴ بوده است. نامبرده در این کتاب از کتاب *روح الجنان* در قطب چهارم صفحه ۲۴۱ بیان می‌کند: «اگرچه سرور عارفان شیخ روزبهان به زیور کمال منتهی حال اولیا متحلی بود، ... در میدان هنروری از علمای دهر و فضلالی عصر و اقران و اکفای زمان گوی سروری ربود و در خزاین این اسرار به مفاتیح بیان و برهان گشود. شصت و چند کتاب در علوم ظاهر و باطن تصنیف فرمود و...» (میر، ۱۳۵۴: ۳۳). در این کتاب،

مرحوم ندیمی با جدا کردن تألیفات شیخ در تفسیر و تأویل و در حدیث و در فقه و در اصول و در تصوف، در مجموع ۲۸ مورد می‌داند و آن‌ها را نام می‌برد.

در کتاب‌های روزبهان‌نامه (دانش پژوه، ۱۳۴۷)، شیخ شطاح (آریا، ۱۳۶۳)، *تحفة الاهل العرفان* (روزبهان ثانی، ۱۳۴۹)، شرح احوال و آثار شیخ روزبهان (میر، ۱۳۵۴) و *روزبهان* یا *شطاح فارس* (ندیمی، ۱۳۴۵) آثار شیخ به صورت فهرست وار بیان شده که در برخی از آن‌ها نام *الانوار فی کشف الاسرار* دیده شده است.

نام آثار و رساله‌های روزبهان با استفاده از دستاوردهای دیگران که شامل چند نسخه جدید یافته هم است، قابل تأمل است و در برخی از آن‌ها نسخه *الانوار فی کشف الاسرار* به روزبهان منسوب نیست. در مقاله «روزبهان بقلی» (ثبوت، ۱۳۷۸، ج ۳) و کتاب کارل ارنست، فهرستی از آثار روزبهان درج شده است. بهتر آن است که شناخت آثار روزبهان بر پایه نسخه‌های *تحفة الاهل العرفان* شرف‌الدین ابراهیم بن صدرالدین روزبهان ثانی و همچنین *روح الجنان* عبدالطیف بن صدرالدین ابی محمد روزبهان ثانی، آن‌هم به دلیل نسبت قرابت و نزدیک خانوادگی و تاریخی به شیخ روزبهان باشد. از سویی قابل اعتمادند به دلیل اینکه هر دو در کتاب خود ذکر می‌کنند که در مورد این آثار تحقیقاتی انجام داده‌اند و مشخص می‌شود که برای ثبت آثار شیخ به تحقیقاتی دست زده‌اند تا همه آثار را بیابند هرچند مغایرت‌هایی هم در آن‌ها مشاهده شد؛ و از سویی توانمندی نسخه پژوه برجسته‌ای همچون محمدتقی دانش پژوه در بررسی و تألیف نسخه‌هایی از *تحفة اهل العرفان* از شرف‌الدین ابراهیم و *روح الجنان* از عبدالطیف شمس کار را سهل تر خواهد کرد.

برای دریافت اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر، به کتاب‌هایی که پیشینه و قدمت بیشتری داشتند مراجعه شد. کتاب‌هایی چون *شد الازار*، *هزار مزار جنید بغدادی*، *نفحات الانس جامی*، *تحفة الاهل العرفان* شرف‌الدین ابراهیم روزبهان ثانی (نبیره روزبهان)، *روح الجنان* عبدالطیف شمس (نبیره دیگر روزبهان)، *روزبهان‌نامه*، به عنوان منابع مهم اساس کار قرار گرفت اما به دلیل مهم متأخر بودن و نسبت فامیلی بهتر دانستیم اساس نهایی کار نسخه‌شناسی و

همچنین کتاب‌شناسی را با دو نسخه از *تحفة اهل العرفان* شرف‌الدین ابراهیم و *روح الجنان* عبدالطیف شمس که محمدتقی دانش‌پژوه در *روزبهران‌نامه* ارائه کرده اساس قرار دهیم.

نکته قابل تأمل که مسیر کار را دشوار می‌کند، مغایرت‌هایی است که در دو کتاب ذکر شده در خصوص آثار روزبهران می‌توان دید. عبدالطیف شمس در رساله *روح الجنان*، ۴۰ اثر از روزبهران بقلی معرفی کرده و می‌گوید من از بیست کتاب او بندهایی برگزیدم و در اینجا آورده‌ام و روی هم ۴۰ کتاب او را نام می‌برم (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۶). مغایرت‌هایی که این ۴۰ اثر در کتاب *روح الجنان* عبدالطیف شمس با کتاب *تحفة اهل العرفان* شرف‌الدین ابراهیم دارد، کتاب‌های *روح الروح*، ترجمه *منطق الاسرار*، *المفاتیح فی شرح المصابیح*، *المفاتیح فی علم اصول الفقه*، *علم الفرائض*، *منهاج المریدین*، *الانتقاد فی الاعتقاد*، *عقود لالی*، *لالی الحکمه*، *کنز الفتوح*، *الهدایة علم النحو فی التصریف* است.

از سویی دیگر در کتاب *تحفة العرفان*، ۳۳ کتاب است و می‌گوید آنچه یافت شد، ذکر آن ایراد کرده شود (همان: ۱۸). مغایرت‌هایی که کتاب *تحفة اهل العرفان* شرف‌الدین ابراهیم با کتاب *روح الجنان* عبدالطیف شمس دارد کتاب‌های *حقایق الاخبار*، *دیوان اشعار به عربی*، *اربعین مجالس*، *العروس و ینابیع الحکم* است. جالب‌تر آنکه این مغایرت‌ها در هر دو کتاب، هیچ تشابهی با یکدیگر ندارند.

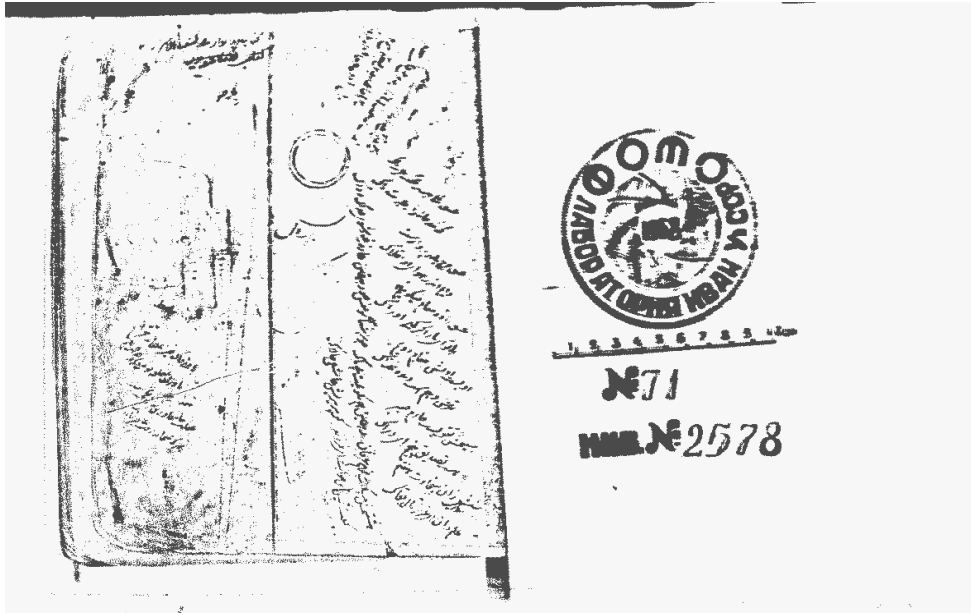
در این دو کتاب از برخی کتاب‌ها فقط نامی عنوان شده است که به‌ناچار بدون هیچ شرحی نام آن‌ها در ترتیب حروف الفبایی ذکر خواهیم کرد. اگر ملاک کار کتاب‌شناسی روزبهران را کتاب‌های چاپ شده در شرح حال او بدانیم، بهتر است باز هم کتاب *روزبهران‌نامه* مرجع کار ما باشد.

با این روش خواهیم دید که مغایرت‌هایی نیز در آثار ذکر شده روزبهران وجود دارد. نکته جالب توجه این است که هر مؤلف کتاب‌هایی را با نام ذکر می‌کند. در انتقال اطلاعات نسخه‌ها و آثار روزبهران بقلی مواردی قابل تأمل است که باید به آن‌ها پرداخت. اول به دلیل اینکه بیشتر نسخه‌های خطی عرفانی در مجموعه رسائل نوشته شده متشکل از رساله‌های

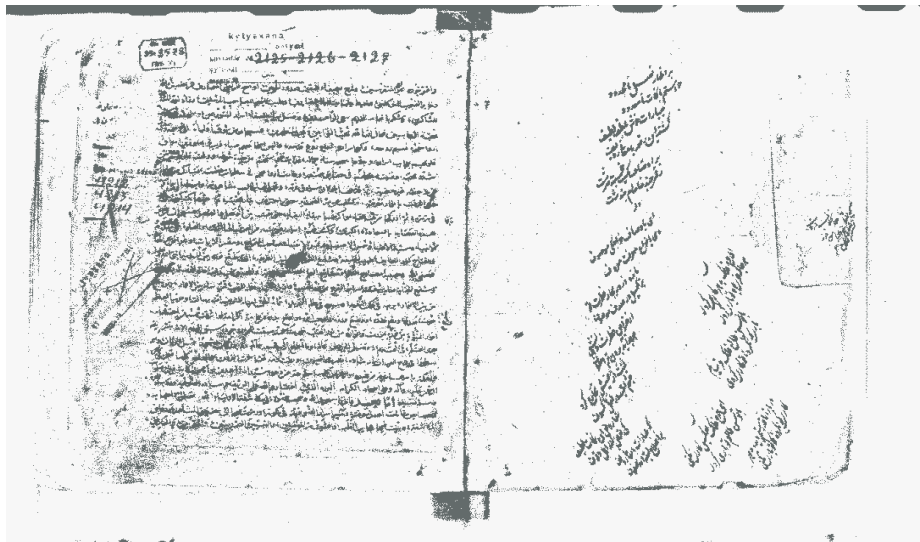
عرفانی و افرادی متفاوت بوده است. گاه فهرست‌نویسان عنوان همه نسخه‌ها و یا مؤلفان را نمی‌دانسته و فقط آن‌ها را با عنوان مجموعه رسائل عرفانی فهرست کرده‌اند. دوم اینکه برخی از نسخه‌ها فقط در یکی از کتاب‌هایی که ذکر شده دیده می‌شود و بدون دریافت نسخه‌هایی از آن‌ها جدید و تازه به نظر می‌رسد. سوم اینکه تشابه‌های اسمی و یا دوره‌ای می‌توانسته بر این اشتباهات در خصوص نام یا عنوان نسخه و یا مؤلف آن مؤثر باشد. این شرایط ویژه و همچنین نداشتن اطلاعاتی در خصوص نسخه‌ها کار را دشوارتر می‌کند.

۴. معرفی نسخه الانوار فی کشف الاسرار

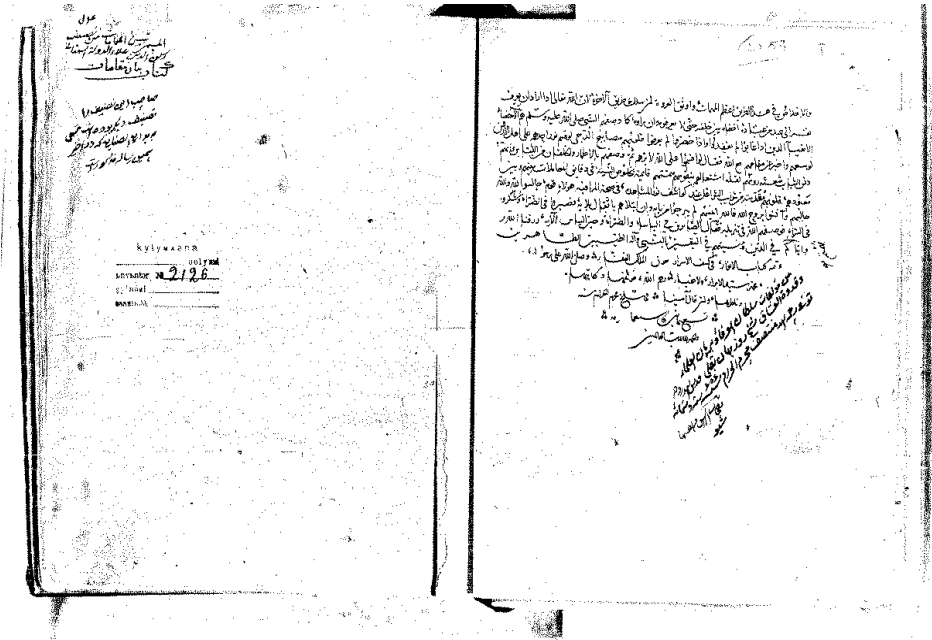
نسخه خطی در کتابخانه تاشکند به شماره ۲۱۸۸ ش و ۳: ۱۷۶ ثبت شده و در مرکز نسخ خطی کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۲۵۷۸/۲ نگهداری می‌شود. ۵۳ برگ (۳ ر - ۵۵ پ) نیز به دنبال شماره نسخه منظور شده است. این کتاب در *روح الجنان و تحفة العرفان* نیامده لکن به این نام در منابع دیگری چون *نفحات الانس جامی و فارسنامه میرزا حسن و دیگران برمی‌خوریم*. در سرگذشت‌نامه *شد الازار و هزار مزار* به چنین نامی برنخورده‌ام. در فهرست تاشکند (۳: ۱۷۶ ش ۲۱۸۸) از نسخه (ش ۲۵۷۸/۲) آن وصف شده که در ۵۳ برگ و به خط طیفور بن حاجی کمال یزدی است که در پایان محرم ۷۸۹ آن را نوشته است. همین طیفور در آخر نسخه به کتاب چنین نام داده و کسی دیگر در همین جا نوشته است که مؤلف آن روزبهان بقلی درگذشته نیمه محرم ۶۰۶ است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۸). این کتاب در مکاشفات اولیا و مقامات اهل معرفت و اسرار صوفیه است و چهار رکن دارد که دو رکن اول و دوم هرکدام دوازده فصل و دو رکن سوم و چهارم هرکدام یازده فصل دارد. در آغاز کتاب دوازده فصل است در *مکاشفة السالکین* به نام قواعدی برای آن و در پایان ده فصل است در *مکاشفة الکبراء*؛ سپس چهار فصل در *کشف اهل الآیات و الاخبار* و روی هم در آن ۷۴ فصل است (همان: ۳۸).



- صفحه اول نسخه باقی مانده که دارای شماره نسخه ۲۵۷۸ کتابخانه ملی تاشکند است



- صفحه دوم نسخه، که با توجه به مفقود شدن برگ اول نسخه احتمالاً از نگاه متن صفحه دوم نسخه محسوب می شود.



- صفحه آخر نسخه که تاریخ کتابت و حاشیه‌ای بر آن نوشته شده و متذکر شده که نسخه متعلق به روزبهان بقلی است

۵. مشخصات ظاهری نسخه

تصویر نسخه انوار فی کشف الاسرار در مرکز نسخ خطی کتابخانه دانشگاه تهران موجود بود. تلاش فراوانی انجام گرفته است ولی بر اساس یافته‌ها تا به امروز نسخه بدلی از این اثر یافت نشد و بر اساس فهرست نسخه‌های خطی موجود نیز اطلاعاتی دیگر از این نسخه نیست. این نسخه، نسخه‌ای منحصر به فرد است. نسخه با خط نسخ روشن منحصر به فردی توسط کاتب طیفور بن حاجی کمال یزدی انجام پذیرفته است. با توجه به نوع خط و ویژگی کتابت مشخص است که زمان کتابت به قرن هشتم نزدیک است. از متن این گونه برمی آید که صفحه اول نسخه افتادگی داشته باشد. رعایت تعداد سطرها در نسخه به دقت

انجام شده و در هر صفحه ۲۵ سطر مکتوب گردیده است. این نسخه در ۵۳ برگ و در هر برگ دو صفحه رودررو تنظیم و کتابت شده است. در انتهای نسخه، مرقوم شده است که این نسخه در پایان محرم سال ۷۸۹ هجری قمری کتابت شده است. در کتابت نسخه، آنقدر که به دقت در ضبط مطالب پرداخته شده، به زیبایی‌های بصری و حاشیه‌نگاری توجه نشده و به دور از هرگونه صفحه‌آرایی و تزیین صفحه است. کاتب ابتدای هر فصل را با دانگ بزرگ‌تر تنظیم و کتابت کرده است. در بیشتر صفحه‌های نسخه می‌توانیم حاشیه‌هایی ببینیم که مطالب و توضیحات تکمیلی را بیان می‌کند؛ البته به نظر نمی‌آید خط خود کاتب باشد و بی‌تردید همانند دیگر نسخه‌های تعلیمی هاشمی‌ها می‌توانیم تکمیلی دارد. رکن‌ها را در کنار حاشیه‌ها با دانگ درشت‌تر بیان داشته است تا با فصل‌ها متفاوت به نظر بیاید.

ویژگی‌های نگارشی نسخه نیز قابل تأمل است که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم: کاتب بیشتر ت گرد (ة) را در اصطلاحات و کلمه‌های عربی به صورت «ت» فارسی نگاشته است. حروف مشخص ظ و ج و خ و چ و ذ را بدون نقطه کتابت کرده که در برخی موارد حرف شین هم اینچنین است و باعث کج‌فهمی و عدم درک درست معانی است، حروف حمزه را با آوای خاص خود با واو (و) نشان داده است (کبریاء نوشته شده «کبریاو»)، و یا بقاء نوشته شده: «بقاو» و دیگر مشکلاتی که از ویژگی‌های کتابت کاتب در این نسخه است.

۶. اهمیت تصحیح، ترجمه و معرفی نسخه‌الانوار فی کشف الاسرار

نام این کتاب در *روح الجنان و تحفة العرفان* به‌عنوان آثار شیخ نیامده و نیز در مقدمه عبهر العاشقین در ذیل کتاب کشف الاسرار و مکاشفات الانوار می‌نویسد: «شد الازار نام کتاب را به همین وجه ذکر کرده و مؤلف *تحفة العرفان* کتاب کشف الاسرار را یاد کرده است اما جامی در *نفحات الانس* دو بار، *حبیب السیر*، *کشف الظنون*، *مجمع الفصحا*، *طرائق الحقایق* و *فارسنامه ناصری*، نام کتاب *الانوار فی کشف الاسرار* را آورده‌اند، ولی نام درست کتاب

همان است که نواده روزبهان در *تحفة العرفان* و جنید شیرازی در *شد الازار* یاد کرده‌اند. جالب اینجاست که دو نسخه‌ای هم که معرفی می‌کند منظور همان نسخه کشف الاسرار است. محمد معین تصور کرده است این کتاب با کتاب کشف الاسرار یکی است (آریا، ۱۳۶۳: ۶۸). بار دیگر تأکید می‌کنم که دانش پژوه، تنها کسی است که نسخه را از نزدیک دیده و صحت نسخه را تأیید و منتسب به روزبهان بقلی دانسته است.

بارزترین ویژگی این نسخه از نظر نسخه‌شناسی منحصربه‌فرد بودن آن است. دیگر ویژگی‌های محتوایی خاص مراتب عرفانی است که رنگ و بو و حالات عرفانی مباحث آن را فقط می‌توان در آثار شیخ روزبهان و مقایسه با دیگر آثار او مانند *مشرب الارواح* دید. با توجه به بررسی دیگر آثار روزبهان که نگاهی متفاوت به عالم دارد، این اثر سرشار از متون ناب و فلسفی است که با دیگر آثار او و با همین مضمون بسیار متفاوت و حائز اهمیت است؛ برای مثال در *رسالة القدس* این‌گونه بیان می‌کند: «تأمل کردم در اصول قوم که قانون آن چند علم است و معلوم چنین شد که مدار طریق سالکان حق به دوازده علم است و بالله توفیق» (نسخه خطی شاهچراغ). آنگاه روزبهان فصل‌های دوازده‌گانه را در علم توحید و علم معرفت و علم حالت و علم معاملات و علم مکاشفه و مشاهده و در علم خطاب و علم سماع و علم وجد و علم معرفت ارواح و علم معرفت قلب و علم معرفت عقل و علم معرفت نفس عنوان کرده و سپس می‌گوید: «... و این علوم را علی‌حده هر یکی اصلی است و فرعی، که از معرفت آن ناگزیر است و خلاصه این علم‌ها معرفت است بر مهلکات و منجیات که قانون و قواعد معرفت است و...» و این نگاه در دیگر آثار شیخ نیز مانند *روح الجنان* و *یا مشرب الارواح* سیری دیگر دارد.

اما در *رسالة الانوار فی کشف الاسرار* بسیار ریزبینانه و عالمانه، مسئله مکاشفت را بررسی کرده و بیان می‌کند که علوم صوفیان بر آن نهاده شده است و بیان می‌دارد که به دنبال مکاشفه مشاهده است. این خود، مبحثی عالی در این اثر و نگاه جالب شیخ روزبهان

در مقایسه با دیگر آثار اوست. در صفحه نوزده نسخه خطی سطر نهم و دهم قبل از اینکه به رکن اول و توضیحات آن پردازد، مطالبی در خصوص انواع کفر بیان می‌کند و صفات نفس را بیان می‌دارد و می‌گوید که در کتاب *سیر الارواح* گونه‌ای از آن را بیان داشته است: «... و لكل عيب في عيوبها مداواه ذكرت بنده منها في كتاب سیر الارواح لسعی الطالب الحق ان يعرف عيوبها...» (هرکدام از عیوب نفس درمان دارد که یک نمونه از آن را در کتاب *سیر الارواح* ذکر کردم تا حق خواهان بشناسند آن عیب‌ها را و...)، و این نشان از اهمیت این اثر شیخ است که نشان از کامل بودن مطالب دارد. شیخ در این اثر، چهار مکاشفه را بررسی می‌کند و بدان‌ها می‌پردازد: مکاشفه حاملین و اهل مقام، مکاشفه واجدین و اهل حال، مکاشفه عارفین و مکاشفه موحدین، و در هرکدام با فصل‌هایی جداگانه، مفصل آن‌ها را شرح می‌کند. این نوع نگاه تا به امروز ژرفای متن نسخه را نشان داده و از سویی می‌تواند راهی مهم برای پژوهش‌های عرفانی آینده روشن نماید.

این اثر ویژه و خاص در مکاشفات اولیا و مقامات اهل معرفت و اسرار صوفیه است و چهار رکن دارد: ۱. *مکاشفه الحاملین اهل المقامات* (در ۱۳ فصل)؛ ۲. *مکاشفه الواجدین اهل الحالات* (در ۱۲ فصل)؛ ۳. *مکاشفه العارفین* (در ۱۱ فصل)؛ ۴. *مکاشفه الموحدین* (در ۱۱ فصل).

محمدتقی دانش‌پژوه می‌گوید که در آن عبارت «قال شیخنا و سیدنا ابو عبدالله محمد بن خفیف» آمده و بندی از «علی الدیلمی» نقل شده که در سیرت ابن خفیف (ص ۱۹۰-۱۹۱) می‌بینیم.

دانش‌پژوه مقداری از متن دیباچه را که در صفحه دو نسخه است، بسیار زیبا ترجمه کرده: «چون علوم مکاشفت برترین حالت بالاترین مقام عارفان است و پس از آن، جایی و مقامی نیست مگر اینکه از آن پدیدار می‌گردد و علوم صوفیان بر آن نهاده شده و اشارات اهل معرفت به آن است، دریغا که بیشتر مردم زمان ما آن را منگردند و مشاهدت و مکاشفت را در این جهان نمی‌پذیرند و از صوفیان بد می‌گویند و زندیق و گرماهان می‌خوانند، و اگر

ما را در کوچه و بازار ببینند سخریه می‌کنند و می‌گویند که "کشفیان" آمدند و برخی از آن‌ها هم از بی‌باکی و بسیار نادانشان این کشف را یاوه و گزافه‌ای می‌پندارند، تا به جایی که فقیهان و عاملان این سخنان را در مجالس خود بر زبان می‌آورند و از آن می‌خندند؛ و چون دیدم که هیچ‌یک از پیشینیان، مگر اینکه خدا خواسته باشد، علوم دشوار مکاشفت را آشکار و روشن نساخته‌اند و حقیقت مفهوم آن را به دست نداده‌اند، بلکه به همان نام بسنده کردند، از این روی خواستم در این باره آنچه بر من روشن شده است و آنچه خود آزمودم در اینجا بیاورم، تا خردمند بینای آگاه پاکدل نیکونهاد و دوستار گروه عارفان بدان بنگرد. من با این کار می‌خواهم به خدا نزدیک شوم که آنان را دوست بدارم و با کسانی که درباره آن‌ها زبان‌درازی می‌کنند بستیزم، چه شماره آنان اگرچه اندک است ولی ارزششان نزد خداوند افزون است. ولی خردمند باید که در زمان ما به پاره‌ای از علوم آنان آشنا گردد تا بتواند میان عارفان و مدعیان جدایی نهد و گروه سالوس و ناموس صوفی‌نما و عارف دروغین را که سخنان آنان را بر زبان می‌آورند، به زی آن‌ها درمی‌آیند از عارف و صوفی درست و استوار بازشناسد» (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷: ۳۹).

در ادامه دیباچه، روزبهان بیان می‌کند: «چون اهل مکاشفه و مشاهده از صوفیان امین خداوند در روی زمین هستند و خلیفه خداوند و راه عبادت روی زمین محسوب می‌شوند، و... خداوند آنان را با ولایت خود مخصوص گردانید، و... آنان را از ناپاکی‌ها انتخاب کرده و پاک گردانید، و... از شراب محبت آنان را نوشانید، و... بهشت را مأمن و جایگاه آنان گردانید، و... با شمشیر شوق سربریده شدند و... سرگشته و مست وجود خداوند هستند و از عشق خداوند بیدار نمی‌شوند مگر خود خداوند که "الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم یحزنون" (نسخه خطی الانوار، صفحه ۲).

در صفحه سوم نسخه بیان می‌کند: «کسی که تعبیر مراتب عشق را نداند، با علم ناتمام خود در دریای بلا خواهد افتاد، ... و بیان می‌دارد که آنکه علم مکاشفه را نداند، در آستانه خطر بزرگی بوده و بدون شک گمراه خواهد بود» (همان: صفحه ۳).

و بیان می‌کند: «... لکن جمعت هذه الفصول لمن فتح له باب من ابواب المکاشفة...»؛ این فصل‌ها را جمع کردم برای کسی که درهای مکاشفه برای او باز شده است و بهره‌ای خواهد برد از مشاهده حتی اگر نگاهی کوتاه به آن داشته باشد و... با سخنی از جنید مراتب را این‌گونه بیان می‌کند: «رتبه‌بندی کردم این کتاب را به چهار رکن. رکن اول در مکاشفه حاملین است که از اهل مقامات هستند و برای آن سیزده فصل اختصاص دادم در بیان مکاشفه قوم از مکاشفین و تعیین کردم از مقامات: توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل، رضا، اخلاص، صدق، اخبارات (اطمینان)، عبودیه (بندگی)، احسان و شکر. رکن دوم در مکاشفه واجدین و اهل حالات است و برای آن دوازده فصل اختصاص دادم و ذکر کردم، در کل فصل مکاشفه طایفه را بیان کردم و از حالات مراقبه و خوف و قرب و رجا و محبت و شوق و عشق و انس وطمأنینه و یقین و مشاهده و سماع. رکن سوم در مکاشفه عارفین و فرق آنهاست و برای آن یازده فصل اختصاص دادم و قرار دادم برای مراتب آنها ده مرتبه و ذکر کردم همه را و دانش‌هایشان در رکن سوم و به یاد آوردم در این کتاب. رکن چهارم در مکاشفه موحدین است و اختصاص دادم برای آنها یازده فصل و شرح کردم منازل آنها را در رکن چهارم از این کتاب و قرار دادم، در اول کتاب دوازده فصل در مکاشفه سالکین تا پایه و قواعد کتاب باشد و در انتهای کتاب ده فصل اختصاص دادم در مکاشفه کبراء (بزرگان) و بیان آنها نیز در انتها می‌آید ان شاء الله. در خاتمه کتاب، چهار فصل از کشف اهل آیات و اخبار و آنان که خداوند باز کرده است در قلب‌های آنها را که اولیاء او هستند و اصفیاء او هستند و از معراج و مکاشفه ایشان و هرچه یافتم از دانش‌های ایشان شاهد این کتاب است و تقویت‌کننده گفته‌های من است. او بسیار عالی نوشته است که: «هرچه درست گفتم از خداوند و تأیید اوست و خدا را از آن شکر می‌کند؛ و هر اشتباهی که در آنچه به آن اشاره کرده‌ام وجود دارد به گردن من خواهد بود از جمله زیاد و یا کم و از آن خدا را استغفار می‌کنم که خداوند بهترین کمک‌کننده و بیننده است. و همه فصل‌ها از ابتدا تا

انتهاش را هفتاد و چهار فصل است در بیان درستی مکاشفه و پاسخ و دلایل عقلی و شرعی آن به انکارکنندگان» (نسخه خطی الانوار، ص ۹۴).

وقتی فصل‌ها را می‌شمارید می‌بینید که تعداد آن‌ها در چهار رکن، ۷۳ فصل است اما یک فصل دیگر کجاست؟ در رساله بعد از مقدمه شیخ بلافاصله فصلی در بیان صحت مکاشفه و رد انکارهای آن را در عقل و شرع به عنوان فصلی بیان می‌دارد که شاید مجبور می‌شود که فصلی ابتدایی بیاورد تا فرق بین مکاشفه و خیال را بیان کند و این همان فصلی است که مازاد بر ۷۳ فصل در چهار رکن نامبرده آن‌ها را به ۷۴ فصل تبدیل می‌کند.

روزبهان بقلی در ابتدا قبل از شروع رکن‌ها دلایل عقلی و شرعی بیان کند در درستی مکاشفه، و این همان مطالبی است که در مقدمه گفته که در ابتدا دوازده فصل در مکاشفه سالکین گفته است. بعد در صفحه پنجم متن نسخه بیان می‌کند: «یکی پرسید از کشف و حقیقتش و اصل آن و فرع آن و ادعا می‌کند که مردم اختلاف دارند که در دنیا کشف وجود دارد و چون کشف مربوط به آخرت است تنها فقط در زمان قیامت ظاهر خواهد شد ... و برخی گفته‌اند که کشف فقط مخصوص پیامبران است و جایز نیست کسی پس از آن‌ها ادعایی داشته باشد. و برادری از من خواست که با اطلاعاتی که صحیح پیدا کردم از کتاب خدا و سنت پیامبر^(ص) و اصول مکاشفه توضیحی بدهم، پس می‌گویم و خدا مرا موفق می‌کند» (همان: ص ۵) در این نسخه روزبهان ادامه می‌دهد: «خدا در دل‌های مردم قرار دارد و هر آنچه از چشم‌های مردم به دور است رازهای ملکوت است که باید با کشف بدان پرداخت و در مورد آن قول خدای تعالی در وصف دل پیامبر^(ص) را بیان می‌دارد که "ما کذب فؤاد ما رای" که دل بر آنچه دید دروغ نگفت و قول پیامبر^(ص) را بیان می‌دارد که فرمودند که اگر شیاطین در اطراف دل انسان حرکت نمی‌کردند، می‌توانستند به ملکوت بنگرند» (همان). آنگاه بیان می‌دارد که «کسانی که کشف را خیال می‌پندارند، اشتباه کرده‌اند چون که خیال در مغز است و اهل مکاشفه رازهای غیب را با چشم‌های دلشان می‌بینند»

(همان‌جا).

روزبهان بسیار جالب و عالمانه در ابتدای این فصل بیان می‌کند: «خداوند بدن بنده‌هایی را که دوست دارد از رنگ معصیت پاک می‌کند و رازهای آن‌ها را از طیف خیال باطل تقدیس می‌بخشد و... آنگاه با بیان آیاتی در این خصوص آن‌ها را وصف می‌کند و می‌گوید که خداوند در کتابش مقام مکاشفین را وصف می‌کند که «ان فی ذلک لذكری لمن کان له قلب او القی السمع و هو شهید» و ادامه می‌دهد که در حدیثی پیامبر^(ص) نیز مکاشفه را یادآوری می‌کند که می‌فرماید: شاهد می‌بیند و غایب نمی‌بیند اما شاهد در درگاه خدا حاضر است و غایب از درگاه خدا دور» (همان: ص ۶). روزبهان با بیان حدیثی از پیامبر و بیان کلامی از عیسی برای حواریون، کلامی از شبلی بیان می‌کند و جواب را مخصوص کسانی می‌دهد که می‌گویند کشف مخصوص پیامبران است. آنگاه فصل در بیان فرق بین مکاشفه و خیال را شروع می‌کند.

این‌گونه بیان می‌دارد که «این قسمت همان طور که گفته شد، دوازده فصل است به شرح زیر: فصل فی بیان صحه‌المکاشفة و الرد علی منکرها بالادلة العقلية و الشرعية؛ فصل فی الفرق بین مکاشفة و الخیال؛ فصل فی الفرق بین رؤیا الصادقة و اکاذبه؛ فصل فی بیان احوال مکاشفین من اهل الرؤیا؛ فصل فی بیان مکاشفات التي يراها اهل البرهان؛ فصل فی بیان العیان؛ فصل فی بیان مکان مکاشفة اله الصفاء؛ فصل فی مکاشفة اهل العلم؛ فصل فی بیان اصناف مکاشفة لاشکال الارواح؛ فصل فی مکاشفة القلب؛ فصل فی مکاشفة العقل؛ فصل فی مکاشفة النفس» (همان‌جا).

آنگاه بسیار جالب موارد رکن اول را شروع می‌کند. البته مطلب رکن اول در تحشیه صفحه بیستم نسخه آمده است: «رکن اول همان‌گونه که بیان شد، سیزده فصل است به شرح زیر: فی مکاشفة التایبین؛ فی مکاشفة اهل الورع؛ فی مکاشفة اهل الزهد؛ فی مکاشفة الفقراء؛ فی مکاشفة الصابرين؛ فی مکاشفة المتوکلین؛ فی مکاشفة اهل الرضاء؛ فی مکاشفة الصادقین؛ فی مکاشفة المخلصین؛ فی مکاشفة المختبین؛ فی مکاشفة العابدین؛ فی مکاشفة

المحسنین؛ فی مکاشفة الشاکرین» (همان: ص ۲۰).

آنگاه موارد رکن دوم را شروع می کند در صفحه سی نسخه و با تحشیه نویسی بیان می دارد: «رکن دوم همان گونه که بیان شد، دوازده فصل است به شرح زیر: فصل فی مکاشفة المراقبین؛ فی مکاشفة المقربین؛ فی مکاشفة الخایفین؛ فی مکاشفة الراجین؛ فی مکاشفة المحبین؛ فی مکاشفة المشتاقین؛ فی مکاشفة العاشقین؛ فی مکاشفة المستأنسین؛ فی مکاشفة المطمئنین؛ فی مکاشفة الموقنین؛ فی مکاشفة المشاهدین؛ فی مکاشفة اهل السماع من الواجدین» (همان: ص ۳۰). در پایان این دوازده فصل، یک فصل هم اضافه می کند با نام فصل فی جامع مکاشفة الواجدین.

آنگاه در صفحه ۵۴ نسخه به رکن سوم پرداخته است. «رکن سوم همان گونه که بیان شده، یازده فصل است به شرح زیر: فصل فی بیان قسم ارباب المعرفة تفاتهم فیها و سیرهم فی عالم الملكوت و قدر ادراکهم بانوار المشاهدة و اسرار المکاشفة؛ فصل فی مکاشفة المعترین؛ فصل فی مکاشفة المتفکرین؛ فصل فی مکاشفة الذاکرین؛ فصل فی مکاشفة اهل الحکمة من العارفين؛ فصل فی مکاشفة اهل الجمع من العارفين؛ فصل فی مکاشفة اهل التفرقة من العارفين؛ فصل فی مکاشفة اهل الحياء من العارفين؛ فصل فی مکاشفة اهل التلوین؛ فصل فی مکاشفة اله التکبر من العارفين؛ فصل فی مکاشفة اهل الحقیقة من العارفين» (همان: ص ۵۴).

آنگاه در صفحه ۶۷ نسخه خطی به رکن چهارم پرداخته است. «رکن چهارم همان گونه که بیان شده یازده فصل است به شرح زیر: فصل فی بیان قسم ارباب التوحید؛ فصل فی مکاشفة اهل القبض من الموحدين؛ فصل فی مکاشفة اهل البسط من الموحدين؛ فصل فی مکاشفة الوالیهین من الموحدين؛ فصل فی مکاشفة اهل السكر من الموحدين؛ فصل فی مکاشفة اهل الصحو من الموحدين؛ فصل فی مکاشفة اهل الانبساط من الموحدين؛ فصل فی مکاشفة اهل الفناء من الموحدين؛ فصل فی مکاشفة اهل البقاء؛ فصل فی مکاشفة اهل السر

من الموحدين؛ فصل فی مکاشفة اهل الاتحاد من الموحدين» (همان: ص ۶۷).

در پایان، خود روزبهان می‌فرماید که ده فصل مجزا در مکاشفة اولیا و چهار فصل مجزا از کشف آیات عالمانه بیان می‌دارد. این دو فصل همراه یکدیگر چهارده فصل می‌شود که از صفحه ۸۴ نسخه شروع و به شرح زیر بیان می‌شود: «فصل فی بیان مکاشفة الانبیاء صلوات الله علیهم؛ فصل فی مکاشفة الکروبین من الملائکة؛ فصل فی مکاشفة اهل الاستقامة؛ فصل فی مکاشفة الامنین؛ فصل فی مکاشفة افصح بلولیات؛ فصل فی مکاشفة اهل البلاء؛ فصل فی کشف جمال القرآن؛ فصل فی مکاشفة المتفرسین؛ فصل فی جامع دلایل مکاشفات؛ فصل فی جاع الاحادیث الصحیحه؛ فصل فی جامع المقامات فی مکاشفات؛ فصل فی جامع وقایع القوم من مکاشفات؛ فصل فی جامع مکاشفاتهم فی حال السكر و الصحو؛ که عالمانه هر کدام را توضیحی مفصل داده و شرح آن‌ها را به زیبایی بیان می‌کند. در پایان نسخه بیان می‌دارد: «تمة الكتاب الانوار فی کشف الاسرار بعون الملك الصفاء و صلی الله علی رسوله محمد سید الابرار والاخبار، رحم الله قولها و کتابها و ناظرها و لمن قال آمینا فی سلخ محرم الحرام سنة تسع ثمانی و سبع مائة» (همان: ص ۸۴).

در هامش آخر نسخه با خط نسخ دیگری مرقوم شده است: «من مؤلفات سلطان العرفا و برهان العلماء و قدوة العشاق شیخ روزبهان بقلی قدس الله روحه توتی رحمة الله متتصف محرم الحرام سنة ستة و ست مائة (۶۰۶) نفحات الانس من روحها» (همان: ۱۰۳).

۷. نتیجه‌گیری

معرفی، تصحیح و ترجمه نسخه‌های خطی متون کهن مفاخر عرفانی بااهمیت است. احیای آثار عرفانی دوره‌های مختلف ادبی و عرفانی ایران علاوه بر اینکه می‌تواند اثر ارزشمند دیگری را به دیگر تلاش‌های انجام‌شده پژوهشی اضافه کند، مسیر روشنی از مکاتب فکری گذشتگان سرزمینمان را نمایان خواهد کرد. یکی از بهترین راه برای درک و دریافت اندیشه و زنده شدن مجدد آن بزرگان، معرفی و تصحیح آثار ایشان است تا بتوان زوایای پنهان

زندگی علمی و عرفانی آن‌ها را بهتر از پیش درک کرد.

الانوار فی کشف الاسرار یکی از آثار روزبهان بقلی است که سال‌هاست در پرده‌هایی از ابهام پنهان مانده و تنها راه شناخت این اثر معرفی، تصحیح و ترجمه آن است. این نسخه تنهاترین نسخه موجود است که اصل آن در کتابخانه تاشکند و تصویر آن در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۲۵۷۸/۲ بوده و نسخه ۵۳ برگ (۳ ر - ۵۵ پ) نیز به دنبال شماره منظور شده و نگهداری می‌شود.

بی‌شک معرفی این نسخه که در یافته‌ها تنهاترین نسخه موجود است، بدون شک نسخه‌ای منحصر به فرد با عنوان *الانوار فی کشف الاسرار* و با توجه به یافته‌ها متعلق به روزبهان بقلی است. هدف از معرفی و تصحیح این نسخه را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

- معرفی یکی دیگر از آثار شیخ روزبهان بقلی؛
- معرفی و تصحیح تنها نسخه *الانوار فی کشف الاسرار* که تا به امروز نه تصحیح و نه ترجمه شده است.
- ترجمه و تصحیح آن به‌عنوان یکی از گران‌قدرترین آثار عرفانی روزبهان بقلی که از زیباترین نثرهای عرفانی بوده و سرشار از اندیشه‌ها و اصطلاحات عرفانی متون کهن فارسی تا به امروز است.
- معرفی و ترجمه آن در مقایسه با دیگر آثار روزبهان نشان خواهد داد که رنگ و بویی مانند نوشته‌های *عبر العاشقین* و *یا سیر الارواح* در آن به چشم نمی‌آید و گویی روزبهان بقلی در این اثر کشف و شهود مطالب خیال‌انگیز عرفانی را با اندیشه‌ای عرفانی-حکمی بیان داشته که در رابطه با او قابل تأمل است.
- این نسخه از روزبهان را شاید بتوان یکی از شاهکارهای ادب عرفانی دانست که به زبان عربی بسیار جالبی (متأثر از ادبیات فارسی و گاه استفاده از قواعد نگارش فارسی) تألیف شده و ترجمه آن و درک معانی دقیق آن می‌تواند این نسخه را متفاوت‌تر از متن

اصلی جلوه دهد.

- تلاش شده به بررسی کج‌خوانی‌های نسخه و غلط‌های کاتبان و افتادگی‌های احتمالی که در نسخه وجود داشته و دارای اهمیت است پرداخته شود.
- نگارنده در نظر دارد با معرفی، تصحیح و ترجمه این اثر و با بهره‌گیری از امکانات روز، متنی منقح و پژوهشانه را از متون عرفانی با شرح لغات و دشواری‌های عرفانی ارائه کند.
- روزبهان بقلی عارفی خاص با اندیشه‌ای خاص تر است و عارفی است که شناخت بیشتر او از راه معرفی آثارش می‌تواند راهی برای شناخت بیشتر مکتب عرفانی فارس باشد. نگارنده امیدوار است پس از معرفی، تصحیح و ترجمه این اثر شاهکاری دیگر از این عارف برجسته برای مسیر روشن عرفان فارس را نمایان کند.

منابع

۱. ارنست، کارل (۱۳۸۳)، *روزبهان بقلی*، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران: نشر مرکز.
۲. آریا، غلامعلی (۱۳۶۳)، *شیخ شطاح روزبهان فسایی*، تهران: انتشارات روزبهان.
۳. بقلی شیرازی، شیخ روزبهان (۱۳۷۴)، *عبر العاشقین و مقدمه فارسی و فرانسوی و ترجمه فصل اول به زبان فرانسوی هانری کربن و محمد معین*، چ ۳، پاریس، تهران: انتشارات منوچهری.
۴. — (۱۳۸۱)، *عبر العاشقین*، به اهتمام کربن و معین، چ ۴، تهران: انتشارات منوچهری.
۵. — (۱۳۸۳)، *تجربه عرفانی و شطح ولایت در تصوف ایرانی*، پرفسور کارل و ارنست، ترجمه کورش دیوسالار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶. — (۱۳۴۷)، *روزبهان‌نامه*، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انجمن آثار ملی.

۷. — (۱۳۹۳)، کشف الاسرار، تصحیح و ترجمه مهدی فاموری، یاسوج: انتشارات زربار.
۸. ثبوت، اکبر (۱۳۷۸)، «روزبهان بقلی» در دانشنامه جهان اسلام، چ ۲، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۹. دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۷)، روزبهان نامه، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۰. روزبهان ثانی، شرف‌الدین ابراهیم (۱۳۴۹)، تحفة اهل العرفان، به سعی جواد نوربخش، تهران: انتشارات خانقاه نعمت‌اللهی.
۱۱. میر، محمدتقی (۱۳۵۴)، شرح حال و آثار روزبهان بقلی فسایی شیرازی، انتشارات دانشگاه پهلوی.
۱۲. ندیمی، غلامحسین (۱۳۴۵)، روزبهان یا شطاح فارس، تهران: چاپخانه حیدری.
۱۳. نسخه خطی الانوار فی کشف الاسرار، تاشکند به شماره ۲/ ۲۵۷۸ در ۵۳ برگ (۳ ر - ۵۵ پ)، و به شماره ۳۲۶۱ ف دانشگاه تهران.

